

از کمونیزم تا دیموکراسی و دستاورد این دو تباوز!



## از کمونیزم تا دیموکراسی و دست‌آورد این دو تجاوز! *Fall of Soviet Union*

نوشته: انجنیر محمد نذیر(علی) تنویر، هالند 15 فیبروری 2014  
به مناسبت سالروز فرار قشون شوروی از افغانستان: 26 دلو 1367 مطابق به 15 فیبروری 1989

چهار دهی ست که مردمان این خطه در "درد و الم" جنگ و نا بسامانی های ناشی از آن می سوزند. اگر عوامل اش ریشه یابی گردد بدون شک به کسانی بر میگردد که دروازه های کشور را به روی متجاوزین شرق و غرب باز نمودند. بلی! نه تنها چنین کردند بلکه فرهنگ خاک فروشی را نیز در بین قشر باسواد ما زیرنام "روشنفکری" شکل دادند.

چنان شکل دادند که ذهنیت ها در برابر "تجاوز" فاقد حساسیت ها گردید و رفته رفته، کرخت و فلج گردیدند. حتی یک عده ی را چنان در خود حل ساخت و به آن مرحله بی باوری رسانیده است - که حیات شان را در عدم موجودیت متجاوزین، ختم یافته می یابند. و این دردی ست از دردهای بی درمان کشور ما!

بلی! وابستگی دردی ست بی درمان و هیچ ملتی را در جهان سراغ نخواهیم داشت که با چنین مرض، گامی در مسیر ترقی و رفاه گذاشته باشد. هرچند این "روشنفکر نماها" مثال های از آلمان و جاپان را از برای پوشش بیکاره گی شان می برند. در حالی که این کشورها، با موجودیت محدودیت ها در ابعاد سیاسی و نظامی، هیچگاهی در حیات سازندگی و پیشرفت شان وابسته نبوده اند.

روشنفکر نماهای جامعه ما که تاهنوز فهمی درست از این واژه ندارند (هرچند که نام های شان را با پیشوند ها ویا پسوند های بزرگ مزین گردانیده اند)، پا را فراتر از گلیم گذاشته و به حریم واژه های دیگر (حقوق زن، حقوق بشر، حقوق اقلیت ها، حقوق رسانه ها و ...) نیز دستبرد زده و آنها را نیز در مسیر نادرست سوق داده اند.

از اینکه ویژه گی های خاص این "روشنفکر نماها" فقد در مهارت های نطقی و دسترسی به لسان های بیرونی خلاصه می گردد، بر مردم ماست تا ازین بیشتر فریب این شعار های بزرگ و جملات زیبا را نخورده، به اعتماد سازی خویش باورمند گشته سعی در جهت رشد و بکارگیری استعداد های شان گردند.

**پیامبر ﷺ می فرماید که "کفار ملت واحد اند"** پس باید دانست که متجاوزین در کل دارای یک هدف اند اما در شیوه های عملی ساختن اهداف، طبعاً نظر به شرایط تفاوت های وجود خواهد داشت.

بلی! متجاوزین با دو چهره ای به ظاهر صلح طلب (**گر باچف و اوپاما**)، ضمن حفظ وقار بین المللی و حیثیت از دست رفته شان، سعی کردند و میدارند تا افتخارات نیروی مقاومت را ربوده و ایشان را به جان هم ببندازند تا مجال فرصت به محاکمه کشانیدن این جنایتکاران و درخواست غرامت جنگی را پیدا نمایند.

بباید در یک دید کوتاه پیامد **آن تجاوز (کمونیزم)** و این تجاوز (**دیموکراسی**) را از نظر بگذرانیم:

❖ **آنها** اگر با شهادت یک ونیم میلیون از فرزندان این سرزمین، توانستند تا دنیای شان را بگیرند اما آخرت شان سالم و پیروز باقی ماند! مگر **اینها** با معتاد ساختن دو میلیون از فرزندان این سرزمین توانستند تا دین و دنیای شان را بگیرند و درد سری برای جامعه ما نیز بگذارند! شما به گزارش وزرات مبارزه با مواد مخدر که از طریق سخنگوی ملل متحد "اشیتا میتل" به تاریخ نهم نوامبر 2013 به نشر رسید مراجعه نمایند که بیان میدارد: "معتادان افغان در سال گذشته 300 میلیون دالر مواد مخدر خریده اند!" آیا به عمق این فاجعه گاهی فکر کرده اید؟

❖ **آنها** اگر توانستند دو ونیم میلیون از مردم را جسماً معلول سازند! مگر **اینها** تا بحال بیش از چهار میلیون از مردم را معیوب روانی (فساد های اخلاقی و اداری) ساخته اند! آیا چه مدت زمان و چقدر بودجه بکار است تا این فاجعه را مداوا نمود؟

❖ **آنها** اگر توانستند شش میلیون از مردم ما را از خانه و کاشانه شان برانند و کشور را در خلی نیروی بشری قرار دادند! مگر **اینها** بیش از پنج میلیون از نیروی کاری ما را به زندگی طفیلی و گدایی عادت نداده اند؟

و در بین این دو تجاوز، کشور ما در کوتاه مدتی، شاهد دوره ی نیز بود که فاقد این روشنفکرانها، متخصصین، آگاهان امور، مارشال ها، جنرالان، پروفیسوران و... بود اما دستاورد های بزرگی را در صفحات تاریخ کشور بجا گذاشت:

- برچیدن شعار ها و وعده های دروغین؛
- برچیدن فساد اخلاقی و فساد اداری در کل کشور؛
- اعاده دوباره تمامیت ارضی از حکومت های ملوک الطوائفی؛
- جمع آوری سلاح و آوردن امنیت در کل کشور؛
- محو کشت خاش خاش و تولید مواد مخدر و...

که این نکات برانزده فهم بیرونی ها را از خود باوری این مردم به همراه داشت هر چند که بیشتری از نیروهای چیزفهم از ایشان دوری گزیدند و تحریم های جهانی و آفات طبیعی در آن دوره نیز هویدا بود. با چنین فهمی دشمنان اسلام با همکاری همسایه ها و مجاهد نماها، دست به توطئه زده و زمینه سازی تجاوز دوباره را عملی ساختند!

شاید سنت الهی بر آن بوده باشد تا در صفوف جهاد، پاک ها را از پلید ها جدا سازد.

این مخلوط نامتجانس از کمونیست های خلق و پرچم تا مائویست های چینی، از تاجران جهادی تا شاه پرستان و تکنوکرات ها - حکومتی را بر ملت تحمیل داشتند که ارمغان اش بیان رفت.

آیا اگر صفحات این چهار دهه را یکبار ورق زیم چه نکته ی مشترک را در آن می یابیم که همواره تجلی داشته؟

- ❖ اگر داوود خان به همراهی کمونیست های خلق و پرچم به اریکه قدرت رسید، چه نیروی مانع شان گشت؟
- ❖ اگر خلق و پرچم از طریق کودتا به اریکه قدرت نشستند و زمینه ساز تجاوز گشتند، چه نیروی مانع شان گشت؟
- ❖ اگر نیروهای شر و فساد و تاجران جهادی در ائتلاف با کمونیست ها از هم سبقت جستند و به جان هم افتیدند، چه نیروی مانع شان گشت؟
- ❖ اگر تکنوکرات ها با مخلوطی از کمونیست های چینیایی و روسی با همکاری تاجران جهادی تا بحال در ریشه کن ساختن ارزش های معنوی زیر نام دیموکراسی مصروف اند، چه نیروی در برابر شان ایستاده گی می نماید؟

برای عقل سلیم و بدون امراض عقده بی واضع و آشکار است! **چه نیروی بوده می تواند به جز از نیروی جهاد؟**

اما افسوس بر ما، که خود جهاد کردیم و در آن دوره ها زیستیم ولی به قدرش پی نبرده حتی آنرا از نصاب های تعلیمی فرزندان خویش دور ساختیم. از اینکه با انکار این واقعیت خویشتن را زیر سوال نبرده باشیم به ناچار واژه ی "سپاهیان گمنام" را شکل داده و تمام افتخارات جهاد را به آن خلاصه ساختیم. در حالی که بیشترین شهدا و غازیان این دوره ها، افرادی معلوم الحال بوده اند که نمی شود با طفره گویی ها، ایشان را بنام سپاهیان گمنام مسمی ساخت.

عمق این تراژدی و "دستاورد های تجاوز پی تجاوز" این انگیزه را برایم ایجاد ساخت تا این نشتر را از طریق کارتونی که دو سال قبل طراحی نموده بودم نیز به تمثیل کشانم.

پس برماست تا از تاریخ پند گیریم، آنهم از تاریخ نه چندان دور!